



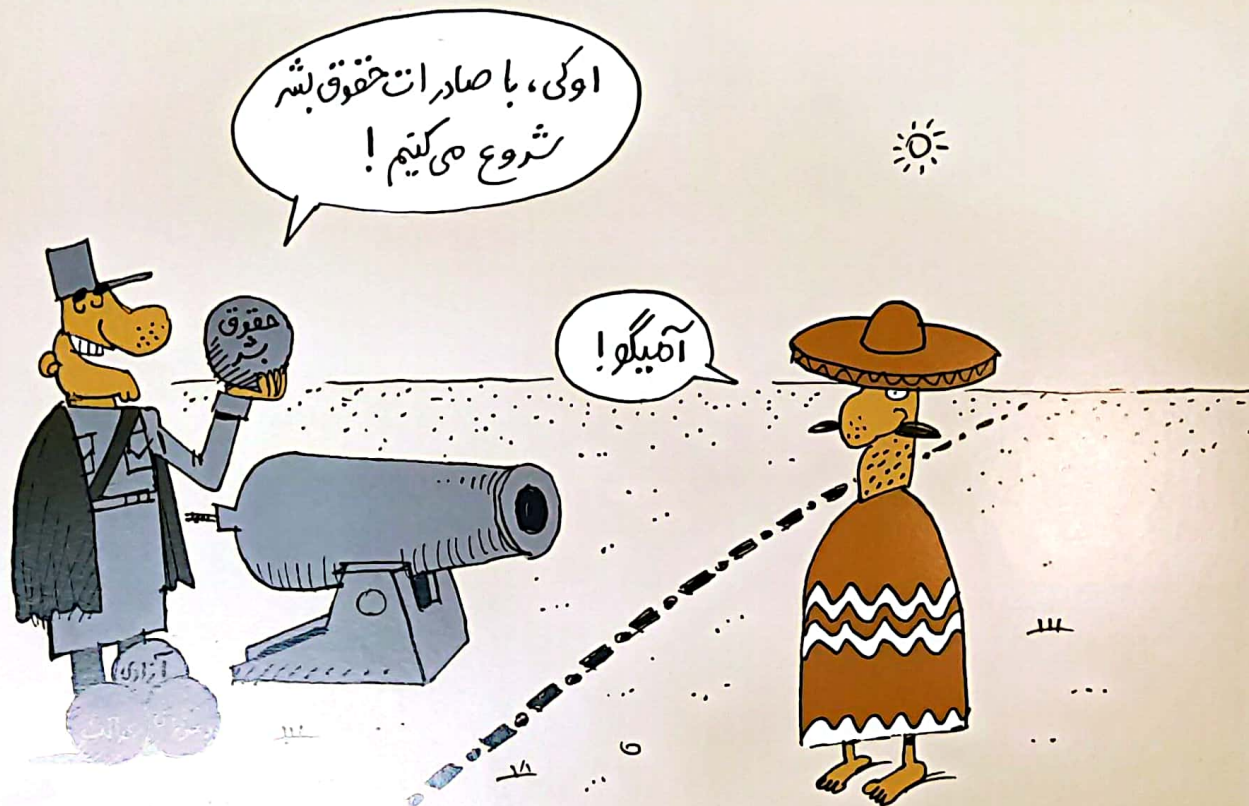
★★★ بخش دوم، آمریکا و صادرات حقوق بشر

مکزیک، اولین هدف آزمایشی

از اواسط قرن نوزدهم، آمریکایی‌ها به فکر صادرات حقوق بشر و دموکراسی به سایر مناطق جهان افتادند. مکزیک به عنوان همسایه جنوبی آمریکا اولین کشوری بود که طعم دموکراسی و حقوق بشر آمریکا را چشید. متأسفانه مکزیکی‌ها متوجه اهمیت و ضرورت واردات دموکراسی و حقوق بشر نبودند و آمریکایی‌ها مجبور شدند با جنگ و به زور اسلحه، مقداری از فرآورده‌های تمدنی‌شان را به مکزیک صادر کنند. لذا آمریکا در سال ۱۸۴۷ به مکزیک حمله کرد.

یک ستوان آمریکایی یکی از مراحل آموزش حقوق بشر و دموکراسی به مکزیکی‌ها را این گونه توصیف کرده: «ژنرال لین به ما دستور داد هر کاری می‌توانیم بکنیم. سربازان ما پس از نوشیدن مشروب به مکزیکی‌ها حمله‌ور شدند. آنها مردان مکزیکی را دسته دسته تیرباران کردند و زنان و دختران مکزیکی را هم مورد تجاوز قرار دادند. این واقعه باعث شد تا از آمریکایی بودن خودم خجالت بکشم.»^۱ البته این افسر خجالتی، شکسته‌نفسی کرده، و الا صدور دموکراسی که خجالت ندارد!

۱) تاریخ آمریکا، هاوارد زین، ترجمه مان صالحی علامه، تهران، انتشارات کتاب آینه، چاپ دوم: ۱۳۹۱، ص ۲۲۵.





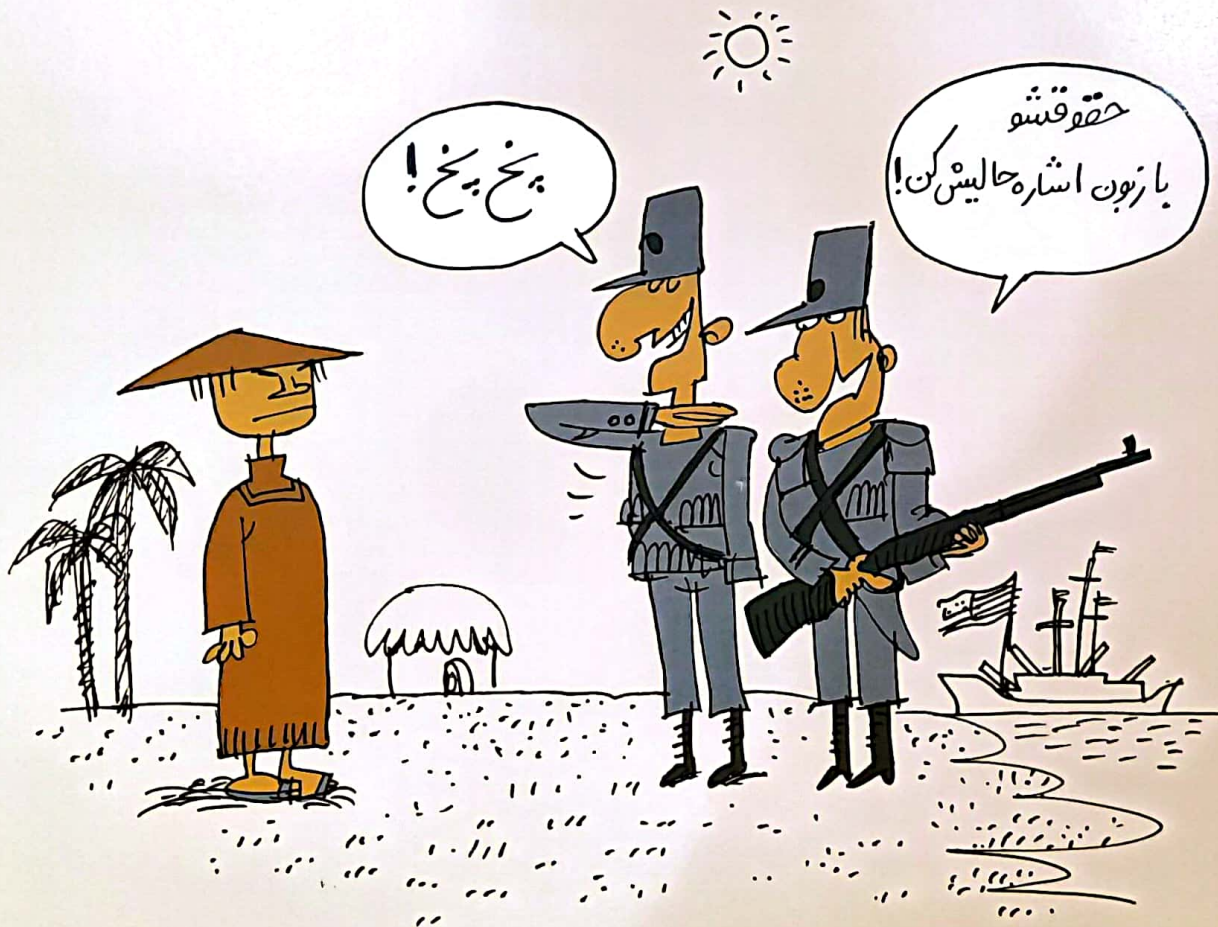
★★★ بخش دوم، آمریکا و صادرات حقوق بشر ★★★

گام دوم، فیلیپین!

مجمع الجزایر فیلیپین سرزمینی بود که در ابتدای قرن بیستم لیاقت واردات فرآورده‌های تمدنی آمریکا را پیدا کرد. البته طبق معمول مردم عقب مانده فیلیپین چیزی درباره ارزش‌های تمدن آمریکایی نمی‌دانستند و آمریکایی‌ها مجبور شدند با همان زبانی که ارزش‌های آمریکایی را به سرخ‌پوست‌ها، سیاه‌پوست‌ها و مکزیکی‌ها آموزش داده بودند، با آن‌ها صحبت کنند. آمریکایی‌ها در فیلیپین بهترین کاری را که از دستشان بر می‌آمد انجام دادند. مثلاً یکی از مناطق فیلیپین به نام کالکون، ۱۷,۰۰۰ نفر جمعیت داشت، اما پس از حضور ارتش آمریکا در آن منطقه حتی یک نفر هم زنده نماند. معلوم است که برای فهم دموکراسی آمریکایی ظرفیت لازم را نداشتند!

یک سرباز آمریکایی در خاطراتش می‌گوید: «بعد از پیروزی در کالکون من با دست خودم بیش از ۵۰ خانه را به آتش کشیدم. ما زن‌ها و کودکان را هم هدف قرار دادیم و چون خونمان به جوش آمده بود، بومی‌های این منطقه را مثل خرگوش شکار کردیم.»^۱

۱) تاریخ آمریکا، هاوارد زین، ترجمه مان صالحی علامه، تهران، انتشارات کتاب آینه، چاپ دوم: ۱۳۹۱، ص ۴۱۷.





ویتنام، ویتنام ویتنام آمریکا

ویتنام قبل از حمله ارتش آمریکا، کشوری پرت، روستایی و عقب مانده بود که مردمش دو کار بیشتر بلد نبودند: یکی کاشتن برنج و دیگری خوردن آن! اینجا بود که دولت آمریکا دچار عذاب وجدان شد و مثل همیشه برای دفاع از انسانیت به صورت کاملاً دموکراتیک به ویتنام حمله کرد. آموزش بدیهیات تمدن به ویتنامی ها حدود هشت سال طول کشید و در این مدت ارتش و دولت آمریکا فداکاری هایی کردند که تاریخ از بیانش عاجز است.

یکی از پیشنهادات آمریکایی ها این بود که ویتنامی ها دست از خوردن برنج خودشان بردارند و برنج آمریکایی بخورند. اما به خاطر لجبازی ویتنامی ها، مجبور شدند همه سدها و آب بندهای ویتنام را بمباران کنند تا سیل همه شالیزارها را فرا بگیرد!^۱ این جنگ «برنجی» باعث شد قیمت یک وعده غذا در ویتنام ۴۰۰ برابر شود و مردم ویتنام متوجه ارزش مواد غذایی بشوند.^۲ در این میان تعداد کمی هم، یعنی بیش از یک میلیون نفر، به خاطر قحطی و گرسنگی تلف شدند.

(۱) تاریخ آمریکا، هاوارد زین، ترجمه مان صالحی علامه، تهران، انتشارات کتاب آه، چاپ دوم: ۱۳۹۱، ص ۶۳۳.
(۲) اوربانا فالاجی، زندگی، جنگ و دیگر هیچ، ترجمه لیل گلستان، تهران، انتشارات امریکر، چاپ سیزدهم: ۱۳۹۳، ص ۷۴.



تفہیم معناک واقعی تمدن!

اغلب مردم ویتنام با ویت کنگ‌ها، یعنی «جبهه ملی آزادی بخش ویتنام» همکاری می‌کردند تا آمریکایی‌ها را از کشورشان بیرون کنند و همین، یعنی آنها لیاقت تمدن آمریکایی را ندارند! نظامیان آمریکایی به مردم ویتنام مشروبات الکلی تعارف می‌کردند و دوستانه از زن‌ها و دختران ویتنامی می‌خواستند شب‌ها را با آنها بگذرانند تا معنای واقعی تمدن را بفهمند و «اهلی» شوند. اما درک این همه محبت، لیاقت می‌خواست که بسیاری از ویتنامی‌ها نداشتند. بالأخره صبر آمریکایی‌ها هم حدی داشت و هنگامی که دیدند زنان ویتنامی به جای قبول دعوت آنها، با ویت کنگ‌ها همکاری می‌کنند، ناچار شدند اندکی این زن‌های محبت‌نشناس را ادب کنند و این گونه شد که مثلاً گروهی از نظامیان آمریکایی سراغ دهکده‌ای می‌رفتند و به مردم نیم‌ساعت برای تخلیه روستا فرصت می‌دادند و هنوز فرصت تمام نشده، روستا را از همه طرف به آتش می‌کشیدند و دیگر هر کسی از خانه‌اش خارج نشده بود تقصیر خودش بود!

۱) اوربانا فالاجی، زندگی، جنگ و دیگر هیچ، ترجمه لیل گلستان، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم: ۱۳۹۳، ص ۷۰.





راه‌های ترویج راست‌گویی!

خلاقیت سربازان آمریکایی در وادار کردن ویتنامی‌ها به راست‌گویی، تحولی عمیق در این رشته تخصصی ایجاد کرد. مثلاً آمریکایی‌ها چند نفر ویتنامی را که حاضر نبودند صادقانه به سؤالات آنها پاسخ بدهند، سوار هلی‌کوپتر می‌کردند و بعد از پرواز، یکی از آن‌ها را در آسمان از هلی‌کوپتر پیاده می‌کردند و بعد از بقیه می‌خواستند حقیقت را موبه‌موبه تعریف کنند. البته پس از تمام شدن آموزش راست‌گویی، بقیه را هم پیش همان دوستشان می‌فرستادند!^۱

گاهی هم آمریکایی‌ها دوست‌دار حقیقت، برای شنیدن حرف راست از دهان یک ویتنامی با سرنیزه شکافی روی شکم او ایجاد می‌کرد، در حالی که دست و پایش از چهار طرف بسته بود. اگر ویتنامی حاضر به راست‌گویی می‌شد که هیچ، وگرنه شکاف را طولانی‌تر می‌کرد تا دل و روده‌اش کمی هوا بخورد! البته به دلیل استریل نبودن سرنیزه و محیط، دوختن شکم ویتنامی بیچاره صرفه اقتصادی نداشت و سرباز آمریکایی مجبور می‌شد او را از درد کشیدن راحت کند!^۲

(۱) اورینا فالاجی، زندگی، جنگ و دیگر هیچ، ترجمه لیلی گلستان، تهران، انتشارات امریکیر، چاپ سیزدهم: ۱۳۹۳، ص ۷۶.
(۲) از این صحنه تصاویر و فیلم‌های مختلفی منتشر شد، تا جایی که این تصاویر در فضای رسانه‌ای جهان به عنوان نماد جنگ ویتنام جا افتاد!



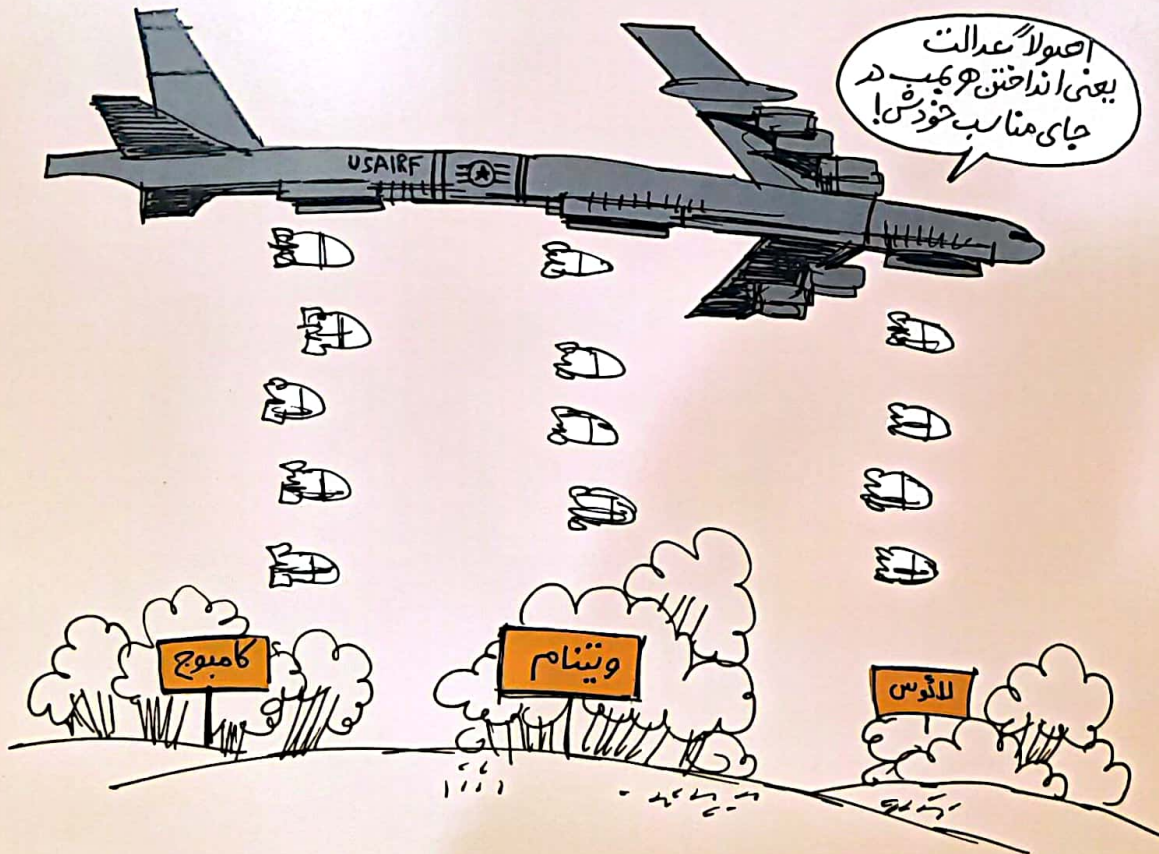


★★★ بخش دوم، آمریکا و صادرات حقوق بشر ★★★

عدالت آمریکایی

یکی از ویژگی‌های آمریکایی‌ها این است که هرگز میان ملت‌ها تبعیض قائل نمی‌شوند. به همین دلیل پس از آموزش تمدن به ویتنامی‌ها، به همسایه‌های ویتنام یعنی لائوس و کامبوج هم سری زدند تا آن‌ها هم از تمدن آمریکایی بهره‌ای برده باشند. جنگنده‌های آمریکا در فاصله سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۳، به صورت روزانه برخی از مناطق لائوس را بمباران کردند و هزاران نفر از مردم لائوس مجبور بودند بیشترین اوقات خود را در غارها و گودال‌های زیر زمینی بگذرانند.^۱ آمریکایی‌ها در این مدت بیش از ۲ میلیون تن بمب به مردم لائوس هدیه کردند. این میزان بمب از بمب‌هایی که آمریکا در جنگ دوم جهانی علیه آلمان و ژاپن مصرف کرد بیشتر بود! چند وقت بعد رئیس جمهور آمریکا دستور حمله هوایی، دریایی و زمینی به کامبوج را هم صادر کرد و هواپیماها، تفنگداران دریایی و ناوگان جنگی آمریکا مزه عجیب و جالب بمباران، حمله به مناطق مسکونی و گلوله‌باران را به مردم کامبوج هم چشانندند.^۲

(۱) سرکوب امید، ویلیام بلوم، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول: ۱۳۸۸، ص ۲۲۳.
(۲) تاریخ آمریکا، هاوارد زین، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، انتشارات کتاب آینه، چاپ دوم: ۱۳۹۱، ص ۷۲۲.



متمدن سازی تریاکی!



تا قبل از ورود ارتش آمریکا به ویتنام و لائوس، مردم این مناطق آن قدر ساده و عقب افتاده بودند که حتی مواد مخدر و تریاک را هم نمی شناختند. یعنی جوان های این مناطق وقتی در زندگی به مشکلی برمی خورد امکان معنادار شدن هم نداشتند. ارتش آمریکا با ترویج کشت تریاک و ایجاد بزرگ ترین کارگاه ها و لابراتوارهای تبدیل تریاک به هروئین در شمال لائوس چند هدف را با هم دنبال کرد. نخست افزایش در آمد مردم از طریق کشت تریاک که بسیار به صرفه تر از کاشت برنج بود. دوم آشنایی مردم با علم شیمی و لابراتوار و درک این مطلب مهم که می توان از تریاک، هروئین تهیه کرد! و سوم استفاده از محصولات این لابراتوارها! با سعی و تلاش ارتش آمریکا و سازمان سیا، منطقه جنوب شرق آسیا در کمتر از ۵ سال به عمده ترین تولیدکننده تریاک جهان تبدیل شد، تا آنجا که حدود ۷۰ درصد از تریاک دنیا در این منطقه تولید می شد.^۱



★★★ بخش دوم، آمریکا و صادرات حقوق بشر ★★★

زنده باد عدالت



پاناما کشور کوچکی است در جنوب آمریکا که دیکتاتوری به نام نوریگا بر آن حکومت می‌کرد. نوریگا شریک عمده سازمان سیا در قاچاق مواد مخدر بود و عادت داشت روزانه تعدادی از مردم کشورش را دستگیر، شکنجه و اعدام کند. آمریکایی‌ها هم همیشه تأکید می‌کردند که حال حقوق بشر در پاناما بسیار خوب است!

اما در سال ۱۹۸۷ روابط نوریگا و سازمان سیا شکر آب شد و این دو شریک سر حساب و کتاب کاسبی اختلاف پیدا کردند. آمریکایی‌ها نوریگا را به اتهام قاچاق مواد مخدر، محاکمه و به حبس ابد محکوم کردند و دادگاه، ارتش آمریکا را مأمور کرد تا محکوم را دستگیر کند. در سال ۱۹۸۹ ارتش آمریکا با ۲۶ هزار سرباز به پاناما حمله کرد. در بمباران نیروی هوایی آمریکا بیش از ۱۴ هزار پانامایی بی‌خانمان و هزاران غیر نظامی کشته و زخمی شدند. نوریگا هم بالاخره دستگیر شد و الآن مشغول آب خنک خوردن در یکی از زندان‌های آمریکاست.^۲

(۱) Manuel Antonio Noriega Moreno (born February 11, 1934) : دیکتاتور نظامی پاناما از سال ۱۹۸۲ تا سال ۱۹۸۹.
(۲) تاریخ آمریکا، هاوارد زین، ترجمه مان صالحی علامه، تهران، انتشارات کتاب آینه، چاپ دوم: ۱۳۹۱، ص ۷۷۵.

خدمات انسان دوستانه پزشکی

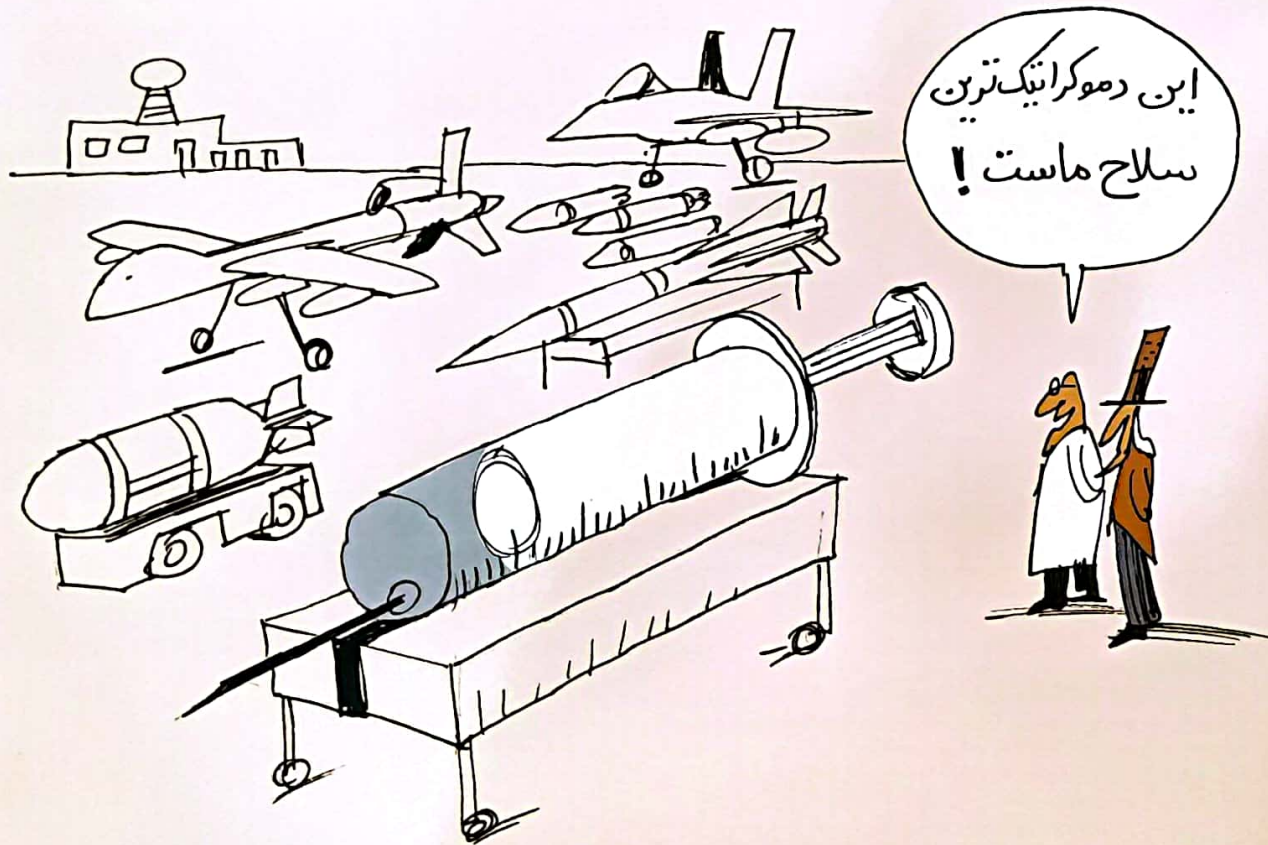
آمریکا از سال ۱۹۴۰ به دنبال انجام تحقیقات درباره بیماری سفلیس بود و برای این تحقیقات ۴۰۰ مرد سیاه پوست به عنوان موش آزمایشگاهی انتخاب شده و باکتری سفلیس به خون آنها منتقل شد و از آنجا که قرار بود اثرات ۳۰ ساله بیماری سفلیس بر بدن انسان مطالعه شود، لازم بود که این سیاهان ۳۰ سال به این بیماری مبتلا باشند. در طول سال های ۱۹۴۲ تا ۱۹۷۲، این سیاه پوستان از درد و عوارض آن ناله می کردند و پزشکان به آنها می گفتند به یک بیماری ناشناخته مبتلا شده و باید صبر کنند تا راه معالجه این بیماری پیدا شود. این ۳۰ سال گذشت و نتایج آن برای هزارمین بار ثابت کرد که آمریکا چه قدر به رشد و پیشرفت علم پزشکی کمک کرده است. به این ترتیب آمریکایی های انسان دوست به سیاه پوست ها هم اجازه دادند به عنوان موش های آزمایشگاهی در پیشرفت علم پزشکی شریک شوند.



تحقیقات علمی کاملاً دموکراتیک

خوب است بدانید بخش قابل توجهی از تحقیقات علمی در آمریکا توسط سازمان سیا و ارتش آمریکا صورت می‌گیرد، آن هم با اهدافی انسان‌دوستانه مانند ساخت سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی، اختراع داروهایی برای گرفتن اعتراف از متهمان و دستیابی به نسل‌های جدیدی از مواد مخدر. ارتش آمریکا در زمره علمی‌ترین ارتش‌های جهان قرار دارد و برای رسیدن به هدف خود یعنی بهره‌گیری از سلاح‌های دموکراتیک برای حفاظت از حقوق بشر در دنیا از هرگونه پژوهش و حرکت عالمانه حمایت می‌کند.

ارتش آمریکا موفق شده ۴۵ درصد از ۲۷ هزار کلاهک هسته‌ای موجود در جهان را تولید و ذخیره کند. تنها ارتشی هم که افتخار استفاده از سلاح هسته‌ای را به خود اختصاص داده ارتش آمریکاست، آن هم با رکورد ۳۴۴,۰۰۰ نفر کشته طی بمباران هسته‌ای هیروشیما و ناکازاکی. آمریکا قصد دارد تا سال ۲۰۳۵، بیش از هزار میلیارد دلار برای تحقیق درباره سلاح‌های هسته‌ای و توسعه آنها خرج کند.



این دموکراتیک‌ترین
سلاح ماست!



★★★ بخش دوم، آمریکا و صادرات حقوق بشر ★★

تجارت قانونی انسان

تجارت کودکان سومین کسب و کار سودآور در آمریکاست و خوشبختانه قوانین آمریکا در این خصوص مشکل خاصی ایجاد نمی کند و تاجران کودک می توانند به راحتی به توسعه اقتصادی کشورشان کمک کنند. بر اساس برآورد وزارت دادگستری آمریکا، سالانه ۸۰۰ هزار نفر در آمریکا به صورت قاچاق فروخته می شوند که ۸۰ درصد آنها زنان و دختران هستند. البته دولت آمریکا برای حفظ حقوق مصرف کنندگان هم قوانین خاصی وضع کرده تا کودکان با شرایط استاندارد عرضه شوند و کسانی که کودکان غیر استاندارد قاچاق می کنند، به ازای هر کودک به پرداخت ۵۰ دلار محکوم خواهند شد. حدود ۱۰ درصد از این واردات هم برای مصارف پزشکی مورد استفاده قرار می گیرد. یعنی اعضای بدن آنها برای پیوند به بدن بیماران آمریکایی استفاده می شود. چون بیماران آمریکایی نیاز بیشتری به این اعضا دارند و هر جور هم حساب کنید جان یک آمریکایی بیشتر از جان یک کودک وارداتی می ارزد.



ترویج راستگویی به روش گاز کبابی!

در ژوئن سال ۱۹۹۳ ارتش آمریکا با هدف حفظ صلح وزیر پرچم سازمان ملل وارد سومالی شد و به سرعت، جدیت و قاطعیت به پاسداری از صلح مشغول شد. سربازان آمریکایی در حد فاصل ماه‌های ژوئن تا اکتبر، حدود دو هزار نفر از مردم سومالی را کشتند و طبیعی است که با کشتن این تعداد اندک و ناچیز، صلح در سومالی برقرار نمی‌شود.^۱

حضور ارتش آمریکا در سومالی دستاوردهای مهمی هم برای بشریت به دنبال داشت. مثلاً اعتراف گرفتن به شیوه «گاز کبابی» یکی از ابداعات نظامیان هوشمند آمریکایی بود که برای اولین بار در سومالی اجرا شد. در این روش سومالیایی مثل یک گاز به چوب بسته می‌شد و بعد زیرش آتش روشن می‌کردند و یک سرباز با حوصله آمریکایی چوب را به آرامی روی آتش می‌چرخاند تا حرارت به شکل یکنواختی به همه جای بدن سومالیایی برسد. این کار باعث می‌شد متهم سومالیایی تمام فعالیت‌های تروریستی تاریخ را گردن بگیرد!^۲

(۱) تاریخ آمریکا، هاوارد زین، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، انتشارات کتاب آسه، چاپ دوم: ۱۳۹۱، ص ۸۵۰.

(۲) تصاویر مختلفی از این اقدام نظامیان آمریکایی توسط خبرنگاران حاضر در سومالی و بعضی از سربازان آمریکایی مخابره و منتشر شده است.



افغانستان و تمدن خشخاشی

پژوهشگران و دانشمندان ضد تروریسم آمریکا پس از مدت‌ها تحقیق و مطالعه دریافتند میان بمباران و قتل عام در افغانستان و تروریسم، نسبت معکوس وجود دارد و برای نابودی تروریسم در دنیا چاره‌ای جز حمله به افغانستان نیست. حملات آمریکا به افغانستان بسیار سخاوتمندانه بود. چرا که هر بمب یا راکتی که از سوی ارتش آمریکا نثار خانه‌های فقیرانه افغانستانی‌ها می‌شد، صدها برابر کل آن روستا یا محله می‌ارزید. بعضی از بمب‌های پیشرفته آمریکا بیش از ۵۰۰ هزار دلار ارزش داشتند! به نظر شما، اصلاً روستایی در افغانستان هست که اول تا آخرش ۵۰۰ هزار دلار بیارزد؟

در نتیجه این سرمایه‌گذاری، هم با تروریسم جهانی مقابله می‌شد و هم منافع مختصری برای دولت ایالات متحده به دست می‌آمد. مثلاً طبق گفته حامد کرزی (رئیس جمهور وقت افغانستان) سازمان سیا و ارتش آمریکا در طول اشغال افغانستان سالانه بیش از ۶۰ میلیارد دلار از طریق قاچاق مواد مخدر افغانستان درآمد کسب کرده‌اند.



شرط بندی بر سر تمدن!

انصافاً سربازان آمریکایی برای آموزش تمدن به افغانستانی‌ها سنگ تمام گذاشتند. مثلاً ادرار کردن روی اجساد قربانیان و بریدن انگشت مقتولین و درست کردن کلکسیون، نمونه‌های کوچکی از آداب زندگی مدرن بود که مردم افغانستان از سربازان آمریکایی یاد گرفتند. سربازان آمریکایی با قلب‌هایی مملو از عشق به انسانیت و انگیزه فراوان برای انتقال تجربیات تمدنی به افغانستانی‌های عقب‌مانده، روش مؤثر آموزش عملی را برای آدم کردن و متمدن ساختن آنها به کار گرفتند. از آن پس بود که مردم افغانستان یاد گرفتند چگونه می‌توان بر سر نحوه کشتن یک کودک ۶ ساله با نارنجک و اسلحه خودکار (آن هم از فاصله چند متری) مسابقه داد و شرط بندی کرد. چون تا قبل از حمله آمریکا به افغانستان، مردم این کشور بر اساس طرز فکر عقب‌مانده و سنتی‌شان خیال می‌کردند کشتن بچه‌ها اقدامی غیر انسانی و زشت است و یک آدم بزرگ باید با هم قدش طرف شود.



عراق، تمدن آمریکایی و دیگر هیچ!

آمریکا برای مبارزه با تروریسم یک گام مهم دیگر هم برداشت و آن حمله به عراق بود. نظامیان آمریکایی حداکثر دقتشان را به کار می گرفتند تا مبادا افرادی گناه و غیر نظامی آسیبی بینند و در خاتمه حملات این هدف به صورت کامل محقق شد. چون غیر از صدام و همراهان و فرماندهان ارشد او، همه مردم عراق آسیب دیده و رنج‌های عمیقی را متحمل شده بودند.

یکی از مناطق بغداد که در حملات موشکی آمریکا به تجلی گاه صلح و دموکراسی تبدیل شد پناهگاه عامریه بود. با اصابت چند موشک کروز به این پناهگاه، بوی خوش صلح به مشام جهانیان رسید و خیال بشریت از بابت صدام راحت شد. صدها زن و کودک در این پناهگاه به ذغال تبدیل شدند و رایحه صلح و انسان دوستی متصاعد شده از آن، چنان همه جا را فرا گرفت که ژنرال شوارتسکف^۱، فرمانده نظامیان آمریکا در مصاحبه‌ای برای زنان و کودکان عراقی کشته شده گریه کرد!^۲

(۱) H. Norman Schwarzkopf (22 August 1934 – 27 December 2012) : ژنرال ارتش آمریکا و فرمانده نیروهای ائتلاف بین‌المللی در جنگ خلیج فارس علیه عراق در سال ۱۹۹۱.

(۲) یوسرایسل و صهیون‌کراسی، سیدهاشم میرلوحی، تهران، نشر معارف، چاپ ششم: ۱۳۹۱، ص ۳۹۲.



تروریست‌هاک ذغالی!

بهار سال ۲۰۰۳ شاهد مبارزات حافظان آمریکایی صلح و امنیت در برابر تروریسم بود، آن هم در عراق. در شهرهایی مثل فلوجه این مبارزه به کامل‌ترین شکل خود انجام شد. آمریکایی‌ها شهر را محاصره و تمامی راه‌های خروجی آن را مسدود کردند و بعد با حملات هوایی و موشکی ریشه تروریسم را در آن خشکاندند. زنان و کودکان و کهنسالان اولین تروریست‌هایی بودند که ریشه کن شدند.^۱ در یک مجموعه اقدامات ضد تروریستی دیگر، اجساد به جامانده از عراقی‌ها هم مشمول مبارزات ضد تروریستی شد. بر اساس گزارش روزنامه دیلی میل^۲، سربازان آمریکایی با ریختن بنزین روی اجساد عراقی‌ها، آنها را آتش زده و پس از ذغال شدن اجساد در کنار آنها عکس یادگاری می‌گرفتند. تصاویر مختلفی از این اقدام در روزنامه‌ها و فضای مجازی منتشر شد و جامعه جهانی پس از دیدن این تصاویر توانست با خیال راحت بخوابد، چون مطمئن شده بود که دیگر تروریستی در عراق زنده نخواهد ماند.

(۱) نوام چامسکی، ایالات شکست خورده، ترجمه یعقوب نعمتی، تهران، انتشارات جام جم، چاپ اول: ۱۳۸۷، ص ۷۹.

(۲) Daily Mail

- من و یه عراقی، همین الان یهویی.



666 👍

در دسرهای دوری از وطن!

پس از آن که خیال نظامیان آمریکایی از بابت تروریسم در عراق راحت شد، نوبت به ترویج فرهنگ و بینش مدرن آمریکایی در عراق رسید. بالآخره حیف بود که پای آمریکایی‌ها به عراق برسد و مردم عراق از فرهنگ و تمدن آمریکایی بی‌نصیب بمانند. نظامیان آمریکایی در مناطق اشغالی روابط دوستانه و عاشقانه‌ای را به زنان و دختران عراق پیشنهاد می‌دادند و چون معمولاً پاسخی نمی‌شنیدند، مجبور می‌شدند با زبان زور، مزه این مفاهیم و روابط را به صورت عملی به زنان و دختران عراقی بچشانند. البته مشخص نبود چرا مردم عراق از این حرکات صمیمانه و اقدامات بشر دوستانه ناراحت می‌شدند. چون به نظر یکی از ژنرال‌های آمریکایی، باید به این سربازان حق داد که به چنین اقداماتی دست بزنند. چون آنها چندین ماه است که از آمریکا و زنان و دختران آنجا دورند و رفتار دوستانه آنها با زنان و دختران عراقی کاملاً طبیعی است و اصولاً اشکالی ندارد.



حقوق بشر ابو غریبی!

یکی دیگر از نتایج حضور نظامیان آمریکایی در عراق ترویج حقوق بشر، آن هم به صورتی کاملاً عمیق و اساسی در عراق بود. آمریکایی ها تصمیم گرفتند نهادینه کردن حقوق بشر در عراق را با یک مأموریت ویژه از زندان ابو غریب شروع کنند. این مأموریت آنچنان مؤثر و سازنده بود که تا مدت ها ذکر خیر آن خبر اول رسانه ها در سراسر جهان بود!

این مأموریت شامل اقدامات متنوعی می شد، مانند: برهنه کردن زندانیان به شکل کامل و چیدن آنها بر روی یکدیگر و تشکیل تپه، آویزان کردن زندانیان به صورت برهنه از سقف زندان یا وادار کردن آنان به اعمال منافی عفت، انداختن سگ های درنده به جان زندانیان، وادار کردن زندانیان به غلتیدن در فاضلاب و ... احتمالاً در این مأموریت شیوه آموزشی لقمان حکیم مدنظر آمریکایی ها بوده، یعنی زندانیان متوجه زشت بودن این اقدامات شده و این کارها را با اشخاص دیگر انجام ندهند که خیلی خلاف حقوق بشر است!

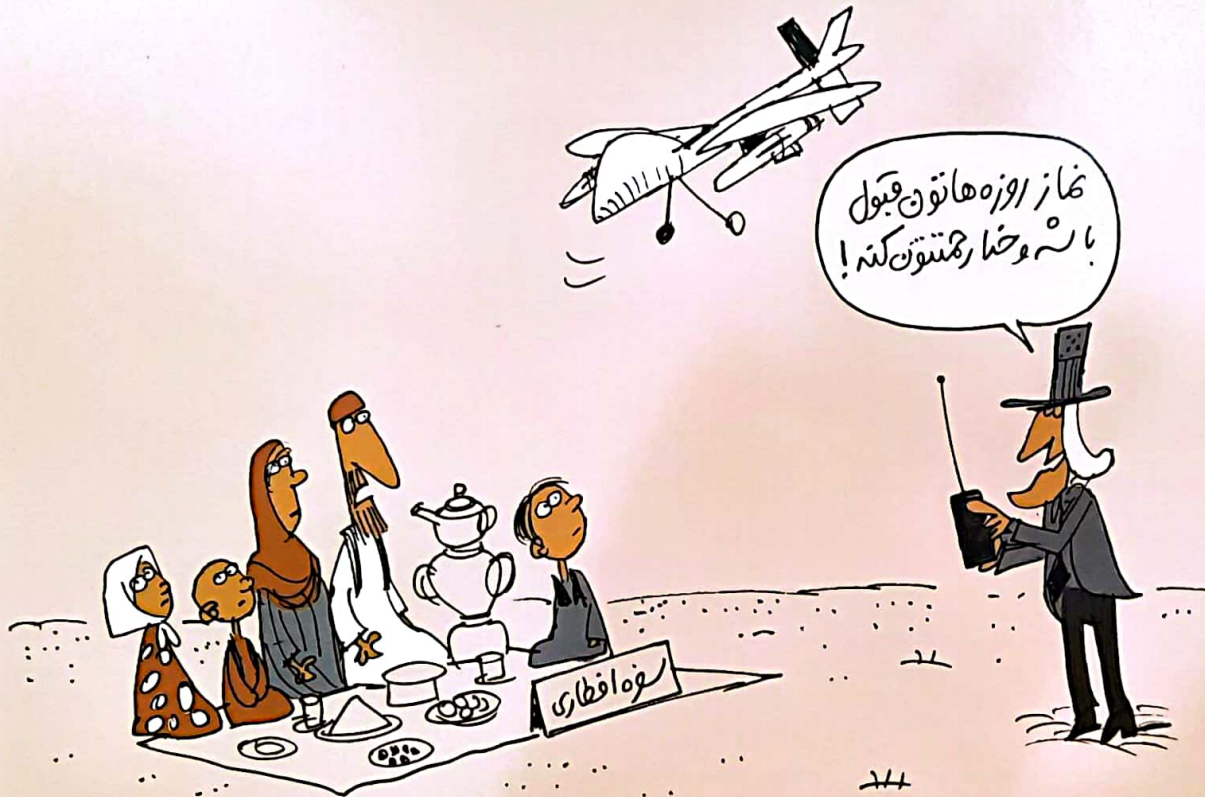


تکنولوژی نهادینه‌سازی حقوق بشر

ارتش آمریکا برای مبارزه با تروریسم و گسترش دموکراسی در جهان از پیشرفته‌ترین ابزارها و فناوری‌ها استفاده می‌کند. پهپاد^۱ یکی از این ابزارهاست. سازندگان پهپادهای آمریکایی آن را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که به صورت هم‌زمان قادر به انجام چند مأموریت مختلف است، یعنی در همان لحظه‌ای که با تروریسم مقابله می‌کند، دموکراسی و حقوق بشر را هم در نقاط هدف نهادینه می‌کند.

پاکستان یکی از مناطقی است که پهپادهای آمریکایی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ بیش از ۳۴۰ بار دموکراسی و حقوق بشر را به نقاط مختلف آن شلیک کرده‌اند که در نتیجه این عملیات‌های دموکراتیک، بیش از ۳۵۰۰ نفر از غیر نظامیان کشته شده‌اند. با توجه به ثمربخش بودن این برنامه، ارتش آمریکا با پشتکار بیشتر تصمیم به تداوم آن گرفت. تنها عیب این روش دقت پایین پهپادها بود، چرا که پهپادها در بیشتر موارد موشک‌های حامل دموکراسی و حقوق بشر را به جای پایگاه تروریست‌ها، به روستاهای اطراف شلیک می‌کردند!

(۱) مخفف عبارت «برنده هدایت پذیر از دور»



هدیه دموکراتیک عروس و داماد!

پهپادهای آمریکایی از سال ۲۰۱۲ به بعد در یمن هم مأموریت‌های متنوعی داشته‌اند که بیشتر معطوف به گسترش دموکراسی و حقوق بشر در جلسات و میهمانی‌های مردم بوده است. حتی در مواردی پهپادهای آمریکایی در مراسم عروسی در بعضی از مناطق یمن حاضر شده و ضمن عرض تبریک، اقدام به ترویج دموکراسی و حقوق بشر در میان میهمانان کرده‌اند. بر اساس گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر، در یکی از این مراسم‌ها ۲۵ نفر از جمله عروس خانم حقوق بشر خود را مستقیماً از پهپاد دریافت کرده و به دلیل نداشتن ظرفیت لازم، کشته و زخمی شدند. در این میان سازمان ملل هم در یک کج‌سلیقگی آشکار، اقدامات پهپادهای آمریکا در مناطق مختلف جهان از جمله پاکستان، یمن و ... را کشتارهایی هدفمند و ناقض قوانین بین‌المللی عنوان کرده که جای تعجب و تأسف بسیار دارد که سازمان ملل هم متوجه ماجرا نیست و قدر زحمات ارتش و دولت آمریکا در ترویج ارزش‌های تمدنی نوین را نمی‌داند.

